

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

بررسی زمینه های رمانتیسم در اشعار فریدون توللی

زینب توکلی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد  
زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما:

دکتر محمد امیر عییدی نیا

۱۳۸۹/۲/۸

موزه اطلاعات مدرن علمی بزرگ  
تهران

بهمن ۱۳۸۸

۱۳۸۷۵۰



دانشگاه ارومیه

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه خانم زینب توکلی به تاریخ ۱۹، ۱۱، ۸۸ شماره  
مورد پذیرش هیأت محترم داوران با رتبه عالی و نمره هجده (۱۸)  
قرار گرفت.

۱- استاد راهنما و رئیس هیأت داوران: دکتر محمد امیر عبیدی نیا

۲- استاد مشاور: —

۳- داور خارجی: دکتر رحیم کوشش

۴- داور داخلی: دکتر بهمن توکلی

۵- نماینده تحصیلات تکمیلی:

گودرزی

دفتر نشر و اطلاع رسانی  
دانشگاه ارومیه

تقدیم به پدر مهربان

و مادر صبورم

و همه کسانی که دوستشان دارم

## سپاس‌گزاری

از آنجا که « من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق »، بر خود لازم می‌دانم که از اساتید و سروران عزیزی که به طرق مختلف مرا در انجام این پایان‌نامه یاری دادند تشکر و سپاس‌گزاری کنم.

از جناب آقای دکتر محمدمیر عبیدی‌نیا، استاد راهنمای عزیزم کمال تشکر و قدردانی را می‌نمایم. بی‌شک تحقیق و پژوهش در چنین موضوعی، بدون کمک و راهنمایی ایشان میسر نمی‌شد.

از جناب آقای دکتر بهمن نزهت و جناب آقای دکتر رحیم کوشش (مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی) که زحمت داوری این پایان‌نامه را تقبل کردند تشکر می‌کنم.

از استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر علیرضا مظفری سپاسگذارم.

از خانواده خوب و عزیزم به خاطر تمام لحظاتی که نیازهایم را مهربانانه پاسخ دادند و یاریم کردند، سپاس‌گزاری می‌کنم.

از دوستان عزیزم خانم‌ها اعظم سلیمانی، هیرو فارابی، آزاده ایمانی، فاطمه نادری، فروهر محمدی، الناز عزتی، سارا شاعری و ... و همچنین آقای اصغر اسکندری که پشتوانه من در انجام این پژوهش بودند کمال سپاس را دارم.

همچنین از کلیه اساتید محترم گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه و دانشگاه تهران که از محضرشان کسب شاگردی کرده‌ام و از این بابت بر خود می‌بالم، قدردانی می‌کنم.

در پایان برای تمامی این بزرگواران آرزوی موفقیت می‌نمایم.

## فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
فصل اول: مباحث کلی	
کلیات	
مقدمه.....	۱
عنوان تحقیق.....	۱
اهداف کلی.....	۱
پیشینه تحقیق.....	۱
روش تحقیق.....	۲
اهمیت تحقیق.....	۲
منابع تحقیق در خصوص عنوان پایان نامه.....	۲
فصل دوم: رمانتیسیم در اروپا و ایران	
کلاسیسم.....	۳
اصول و قواعد مکتب کلاسیسم.....	۳
نئوکلاسیسم.....	۴
افول نظام نئوکلاسیسم.....	۴
پیش رمانتیسیم.....	۵
رمانتیسیم.....	۶
زمینه های پیدایش رمانتیسیم.....	۸
اصول مکتب رمانتیسیم.....	۹
۱- آزادی.....	۹
۲- توجه به احساسات و هیجان های روحی و عاطفی.....	۹
۳- نبوغ و شخصیت.....	۱۰
۴- گریز از واقعیت و سیر و سیاحت.....	۱۰

۱۱	۵- انزوا و افسردگی.....
۱۱	۶- فردیت و فردگرایی.....
۱۲	۷- دین.....
۱۲	۸- طبیعت.....
۱۳	۹- تخیل.....
۱۳	صورتخیال.....
۱۴	الف) استعاره.....
۱۴	ب) سمیل.....
۱۵	ج) اسطوره.....
۱۵	۱۰- عشق.....
۱۵	۱۱- کودکی.....
۱۵	۱۲- تجدید مضامین و کلمات و ساخت های ادبی.....
۱۶	۱۳- بدوی گرایی و تمدن ستیزی.....
۱۶	بزرگان رمانتیسم در اروپا در عرصه ادبیات.....
۱۷	رمانتیسم در ایران و شعر فارسی.....
۱۷	زمینه های پیدایش رمانتیسم.....
۱۹	نخستین نمونه های اشعار رمانتیسم.....
	<b>فصل سوم: زندگی، آثار و اندیشه های توللی</b>
۲۰	سالشمار زندگی توللی.....
۲۲	جایگاه توللی در ادبیات ایران.....
۲۳	رها و مقدمه آن، ( مانیفست شعر رمانتیک).....
۳۶	نافه.....
۳۶	پویه، شگرف، بازگشت.....
۳۸	التفصیل و کاروان.....
۳۹	تأثیر گذاری توللی بر دیگران.....
	<b>فصل چهارم: به کارگیری مبانی نظری رمانتیسم در اشعار فریدون توللی</b>
۴۰	رمانتیسم اجتماعی.....
۴۱	رمانتیسم فردی.....
۴۲	۱- طبیعت.....

- ۲- تمدن و شهرستیزی و گریز به بدویت..... ۵۳
- ۳- عشق، زن..... ۵۴
- ۴- گریز از وضعیت موجود به کودکی، گذشته و جغرافیای خیال..... ۷۰
- ۵- تخیل، صورخیال، تصویر..... ۷۶
- ۶- یأس و اندوه، مرگ..... ۹۷
- ۷- انزوا، رنج، بدبینی..... ۱۱۷
- ۸- من شاعرانه..... ۱۳۲
- ۹- دین..... ۱۳۶

#### ضمایم و نمایه ها

- نتیجه..... ۱۳۷
- نمودار دایره ای کاربرد واژگان..... ۱۳۹
- نمودار ستونی کاربرد واژگان..... ۱۴۰

#### کتابنامه

- فهرست منابع و مآخذ..... ۱۴۱



## چکیده

پایان نامه حاضر به منظور بررسی زمینه های رمانتیسم در اشعار فریدون توللی تنظیم شده است. توللی از برجسته ترین شاعران این مکتب در ایران و به تعبیر شمس لنگرودی سرشاخه ی اصلی رمانتیسم در ایران است. ما در نگارش این تحقیق ابتدا به معرفی مکتب رمانتیسم و عناصر آن و سپس به بیان احوال و اندیشه ها و جایگاه توللی در ادبیات ایران به عنوان یکی از پایه گذاران مکتب رمانتیسم می پردازیم و در ادامه نیز عناصر رمانتیسم را در اشعار او مورد بررسی قرار می دهیم. تحقیق حاضر نشان می دهد که، رمانتیسم توللی از نوع فردی و حول محور من شاعر می چرخد و غلبه عنصر یأس و اندوه و مرگ در اشعار او بیش از سایر عناصر رمانتیسم است، به همین دلیل رمانتیسم او را رمانتیسم سیاه می دانند و او را پیشوای رمانتیسم سیاه در ایران به شمار می آورند.

## کلید واژه

رمانتیسم، فریدون توللی، یأس، اندوه، مرگ

**فصل اول**

**مباحث کلی**

## مقدمه

شکل گیری جریان ها و مکاتب ادبی در نقاط مختلف جهان می تواند سرآغازی برای ایجاد تحولات در نقاط دیگر باشد. از جمله ی این مکاتب رمانتیسم است. رمانتیسم نام جنبشی است که در اواخر سده ی ۱۸ و اوایل سده ی ۱۹ میلادی در اروپا شکل گرفت. این مکتب در معنای عام بر دوره ای اطلاق می شود که کیفیت های عاطفی و تخیلی و هنری در زندگی مورد تأکید قرار می گیرد. مضمون های شاخص هنر رمانتیک عبارتند از: عشق به منظره های بکر طبیعی و امور رمزآمیز غریب در هر هیأت و ظاهر، غم غربت درباره ی دوران گذشته، اشتیاق پرشور به نیروهای لگام گسیخته، تمایل شدید به آزادی... این مکتب دارای بازتاب و تأثیراتی در ادبیات ما بوده و برخی از شعرای معاصر، از جمله فریدون توللی تحت تأثیر این جریان ادبی قرار گرفته اند. این تحقیق در نظر دارد زمینه های رمانتیسم در اشعار فریدون توللی و میزان و نحوه ی تأثیرپذیری وی از این مکتب را مورد بررسی قرار دهد.

## عنوان تحقیق

« بررسی زمینه های رمانتیسم در اشعار فریدون توللی »

## اهداف کلی این تحقیق عبارت است از

- ۱- بیان اصول مکتب رمانتیسم
- ۲- پرداختن به تأثیر پذیری توللی از مکتب رمانتیسم
- ۳- بیان بسامد و نمونه های رمانتیسم در اشعار فریدون توللی

## پیشینه ی تحقیق

هیچ پژوهشی بدون آگاهی از پیشینه ی آن به سرانجام درستی نمی رسد، هر پدیده ای دارای پیشینه است که بررسی آن، پژوهشگران را در شناسایی و درک چیستی آن پدیده یاری می دهد. در زمینه ی رمانتیسم در شعر نو پژوهش هایی صورت گرفته است، از جمله رمانتیسم در اشعار نیما یوشیج ( اعظم سلیمانی) و فروغ فرخزاد ( فرشته رستمی). اما به طور اختصاصی به بررسی زمینه های این مکتب در اشعار فریدون توللی که از پایه گذاران این مکتب در ایران به شمار می رود، پرداخته نشده است.

## روش تحقیق

این تحقیق به صورت کتابخانه ای و به طریق فیش برداری و با اتکا به کتاب های مرجع و معتبری که در این زمینه تألیف شده است، به انجام رسیده است، که نگارنده با مستند ساختن یافته ها و فیش های حاوی مطالب خود به منابع و مأخذ معتبر، به مطالب پایان نامه دست یافته است. البته کمبود منابع درباره ی توللی و اشعارش و مکتب رمانتیسم مانع پیشرفت سریع در نوشتن تحقیق حاضر شده است. همچنین باید ذکر کرد که در اشعار آخر توللی تکرار بسیار دیده می شود و ما با موضوعاتی یکنواخت در اشعار او مواجه می شویم که بیشتر آن ها از ارزش ادبی چندانی برخوردار نیستند و آوردن همه ی آن ها باعث طولانی شدن کلام و ملال خاطر می شود، به همین دلیل از آوردن آن ها خودداری می شود.

## اهمیت تحقیق

تحقیق حاضر شامل اهمیت نظری و اهمیت کاربردی است.

### اهمیت نظری

این تحقیق اهمیت نظری اشعار و اندیشه توللی را از دیدگاه مکتب رمانتیسم مورد بررسی قرار داده، تا جایگاه توللی به عنوان یکی از پایه گذاران این مکتب در ایران برای دانشجویان رشته ی مورد نظر مشخص شود و اطلاعات لازم را در این مورد به خوانندگان بدهد و همچنین موجبات آشنایی بیشتر علاقه مندان با مکتب رمانتیسم و نمود آن را در اشعار توللی فراهم شود.

### اهمیت کاربردی

پژوهش حاضر می تواند، مورد استفاده اساتید و دانشجویان رشته ی زبان و ادبیات فارسی و همچنین علاقه مندان به مکاتب ادبی و اشعار توللی قرار گیرد.

## منابع تحقیق در خصوص عنوان پایان نامه

در خصوص مکتب رمانتیسم و زندگی و اندیشه های توللی منابعی متعدد و گوناگون وجود دارد که به تعدادی از اهم آن ها می توان با این عناوین اشاره کرد: «مکتب های ادبی» رضا سید حسینی، «سیر رمانتیسم در اروپا» تألیف مسعود جعفری، «رمانتیسم» اثر لیلیان فورست (ترجمه مسعود جعفری) و مقاله «رمانتیسم، اصول و نفوذ آن در شعر معاصر ایران» نوشته رضا اشرف زاده در زمینه ی رمانتیسم و کتاب «این بانگ دلاویز» تألیف علی باباچاهی و مجله ی «آینده» در زمینه ی زندگی، اندیشه و آثار فریدون توللی اشاره کرد.

## **فصل دوم**

### **رمانتیسزم در اروپا و ایران**

اغلب تغییر اوضاع و شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر هر جامعه خود، زمینه سازی است در جهت پیدایش مکتب‌های ادبی و می‌توان گفت هر مکتب ادبی نیز حاصل مکتب قبلی است، یا جزئیاتی است غلبه آن. از آن‌جا که مکتب رمانتیسم در واقع طغیانی است در برابر جریان ادبی کلاسیسم در اروپا بنابراین مروری گذرا بر این مکتب ضروری می‌نماید.

### کلاسیسم

«کلاسیسم بازگشت به هنر قدیم یونان و روم به تبع نهضت اومانیسم و رنسانس است.»<sup>۱</sup>  
«واژه کلاسیک از Classicus لاتین گرفته شده است. در روم باستان طبقات بالای جامعه را که از درآمد بیشتری برخوردار بوده «کلاسیکوس» می‌نامیدند، بعدتر این اصطلاح در قرون اولیه میلادی برای اطلاق بر آثار ادبی و نویسندگان تراز اول یونان و روم به کار می‌رفت. سپس این کلمه به کل آثار کهن بازمانده از فرهنگ و ادبیات یونان و روم اطلاق شد. از همین رو ادبیات جدید اروپایی بعد از قرون وسطی یعنی ادبیات دوره رنسانس نیز که متأثر از یونان و روم بوده، کلاسیک خوانده شد، ولی به طور مشخص این اصطلاح برای توصیف ادبیات و هنر اواخر دوره رنسانس (اواخر قرن شانزدهم و تمامی قرن هفدهم) به کار می‌رود.»<sup>۲</sup>

از نویسندگان این مکتب می‌توان به راسین، مولیر، بوالو، لافونتن، درایدن، استیل و جانسون اشاره کرد.

### اصول و قواعد مکتب کلاسیسم

۱- جستجوی تعادل و کمال ۲- تقلید از طبیعت ۳- تقلید از قدما و پیشینیان ۴- اصالت عقل ۵- وضوح و ایجاز ۶- آموزنده و خوشایند بودن اثر ۷- حقیقت‌نمایی ۸- وحدت موضوع.<sup>۳</sup>  
«از لحاظ فلسفی و اندیشگی، پایه و اساس این مکتب بر خردگرایی نهاده شده و این عصر را «عصر خرد» نیز نامیده اند.»<sup>۴</sup>

«بسیاری از خصوصیات و روش‌های کلاسیک‌ها به واسطه ظهور مکتب رمانتیسم در اوایل قرن نوزدهم از میان رفت، اما بعضی از منتقدان معتقدند که این نهضت تأثیری دائم بر ادبیات قرن بیستم گذاشته است و بسیاری خصایص آن به ویژه در ادبیات انگلیس برجا ماند.»<sup>۵</sup>

۱- رضا سید حسینی، مکتب‌های ادبی، ج ۱، ص ۲۱.

۲- مسعود جعفری، سیر رمانتیسم در اروپا، ص ۳۸.

۳- رضا سید حسینی، مکتب‌های ادبی، ج ۱، نقل به اختصار: صص ۹۷-۱۰۶.

۴- مسعود جعفری، سیر رمانتیسم در اروپا، ص ۴۰.

۵- میمنت میرصادقی، واژه نامه هنر شاعری فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن، ج ۲، ص ۲۰۸.

## نئوکلاسیسم

«به دوره ای اطلاق می شود که حدفاصل کلاسیسم قرن ۱۷ و پیش رمانتیسم قرار دارد. دوره ای که در آن «رمانتیک» با «رؤیایی و خیالی» و «مضحک» یکسان شمرده می شود.<sup>۱</sup>»

«می توان نئوکلاسیسم را عکس العمل نسبت به آکادمیسم کلاسیک، و بازگشت به سرچشمه های باستانی و در واقع نوعی آشنایی بهتر با دوران باستان تلقی کرد.<sup>۲</sup>»

«اقتدار مسلط نئوکلاسیسم از اعتقاد بی چون و چرا به نیروهای ذهن، و نیروی تفکر، و به عبارت ساده تر از اعتقاد بی چون و چرا به خرد سیراب می شود. در این دوره جایی برای آفرینش فردی و نیروی خلاق نویسنده باقی نمی ماند و وظیفه آفرینندگی باز هم به عهده شاعران و نویسندگان یونان و روم گذاشته می شود.»<sup>۳</sup>

## افول نظام نئوکلاسیک

«مکتب نئوکلاسیسم در سال های میانی قرن هیجدهم بیش از پیش دچار ضعف و کاستی گردید. در این سال ها، اندک اندک، معیارهای خشک مربوط به قواعد انعطاف ناپذیر جای خود را به معیارهای جمال شناسانه می داد.»<sup>۴</sup>

«تأکید بیش از حد این مکتب بر جنبه های عقلانی هنر، نادیده گرفتن جنبه هایی چون الهام و انگیزه های ناخودآگاه هنرمند و نیز واکنش های ناخودآگاه خواننده در برابر اثر هنری، موجب می شد تخیل در هنر کارکردی محدود و صرفاً تزئینی داشته باشد. سرانجام وقتی آشکار شد که چه مقدار زمینه ها و موضوعات گسترده ای وجود دارد که مکتب نئوکلاسیسم ترجیح می دهد آن را نادیده بگیرد، تاروپود آن دچار سستی شد و ساختار آن فرو ریخت.»<sup>۵</sup>

«همگام با افول نئوکلاسیسم، فلسفه اصالت عقل که تکیه گاه این مکتب بود، جای خود را، اندک اندک، به اصالت احساس می دهد.»<sup>۶</sup>

۱- مسعود جعفری، سیر رمانتیسم در اروپا، ص ۲۸

۲- لیلیان فورست، رمانتیسم، ص ۳۰

۳- رضا سید حسینی، مکتب های ادبی، ج ۱، ص ۱۱۶

۴- لیلیان فورست، رمانتیسم، ص ۳۱

۵- مسعود جعفری، سیر رمانتیسم در اروپا، ص ۶۱

۶- همان، ص ۶۱

۷- همان، ص ۶۲

## پیش رمانتیسم

رمانتیسم، مکتبی که در قرن ۱۹ تحولاتی در زمینه ادبیات و هنر و فرهنگ و اندیشه بوجود آورد به یکباره پدیدار نشد، بلکه ظهور آن تدریجی و کند بود و قبل از آن دوره ای بوجود آمد که به دوران پیش رمانتیسم مشهور است، دورانی که نتیجه ضعف نئوکلاسیسم است.

«پیش رمانتیسم به دوره ای گفته می شود که از اواسط قرن ۱۸ شروع شد. دوره ای که در آن تمایلات عاطفی وارد ادبیات شد و رفته رفته بر عده کسانی که بیشتر پایبند احساس بودند افزوده گشت.»<sup>۱</sup>

«پیش رمانتیسم عمیقا بر احساس تکیه دارد و همانطور که دوره نئوکلاسیسم را «عصر خرد» نامیده اند، پیش رمانتیسم نیز به درستی «عصر احساس» نامیده شده است. گرایش های اصلی و بنیادین پیش رمانتیسم در شیوه های جدید احساس و اظهار و ابراز مستقیم تر آن، در انتخاب آبخشورهای تازه، و نیز ایجاد نوعی زیبایی شناسی نوین است.»<sup>۲</sup>

«در حدود نیمه قرن هیجدهم تحول در ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع پیشرفته اروپایی، یعنی گسترش طبقه متوسط جدید و طبقه متوسط شهرنشین [بورژوازی] و نیز پیامدها و دستاوردهای انقلاب صنعتی، از یک سو، مردم شهرنشین را بیقرار و شیفته طبیعت روستا می کرد، و از سوی دیگر، نظم نوین زندگی آنها را که نابرابرانه و خشک و انعطاف ناپذیر به نظر می رسید و عمیقا با خردگرایی دوره روشنگری آمیخته بود، امری ناخوشایند و نامطلوب جلوه می داد. به لحاظ فکری و فلسفی نیز نوعی گریز و فاصله گرفتن از اندیشه ی خردمحور و علم مدار عصر روشنگری به تدریج در حال ظهور بود.»<sup>۳</sup>

«در این دوره شاعران و نویسندگان مختلفی ظهور کردند که اغلب همان قالب های کلاسیک را برای آثارشان حفظ کردند، اما محتوی نوشته هایشان خبر از تحول تازه ای می داد، تحولی که در کیفیت بیان احساس ایجاد دگرگونی کرد. روش اخلاقی و ذوق ادبی و منابع الهام این هنرمندان نیز با کلاسیسم فرق فاحش داشت، گذشته از اینکه احساسات را بر عقل ترجیح می دادند به حزن و اندوهی هم که بعدها بر ادبیات رمانتیک حاکم شد متمایل بودند. در زندگی اجتماعی دوستدار زندگی روستایی و طبیعت وحشی و بدوی بودند. عده ای از آنها از اختلافات طبقاتی آزرده بودند و در جستجوی آزادی و مساوات. به یادگارها و سینی که جنبه ملی داشت علاقه نشان می دادند و احترام می نهادند. از این رو قرون وسطی که مورد نفرت کلاسیک ها بود ارزش و احترامی پیدا کرد.»<sup>۴</sup> «منابع و سرمشق نویسندگان این دوره اغلب از شمال اروپا، افسانه های «اسکاندیناوی» و منظومه های کهن آن است.»<sup>۵</sup>

۱ - رضا سیدحسینی، مکتب های ادبی، ج ۱، صص ۱۷۰-۱۷۵

۲ - لیلیان فورست، رمانتیسم، ص ۴۴

۳ - مسعودجعفری، سیر رمانتیسم در اروپا، ص ۷۳.

۴ - رضاشیدحسینی، مکتب های ادبی، ج ۱، ص ۱۷۱.

۵ - همان: ص ۱۷۱.



«پیش رمانتیک ها نه تنها در جهان درونی عواطف و احساسات، بلکه در عالم خارج نیز در جستجوی پدیده های طبیعی خود جوش بودند، از همین رو به موضوعات و زمینه هایی علاقه مند بودند که با تصنع زندگی شهری یا به عبارت دقیق تر با زندگی موقرانه و پر آداب کاملاً متضاد و ناهمخوان بود.»<sup>۱</sup>

«بدین سان دیدیم پیش رمانتیسیم دورانی انتقالی بود که در طی آن رفته رفته ذوق و سلیقه عامه به جهت اخلاقی و احساسی تازه متمایل می شود که نشانه ی جستجوی کمال مطلوبی جدید است که در آثار نویسندگان معدود آن انعکاس می یابد، نویسندگانی که آرام و با تأنی خود را از قید نسن پیشین رها می سازند.» نویسندگانی چون: روسو، یانگ، مک فرسون، برناردن دو سن پیرو غیره...  
به طور کلی مضامین عمده ای که در آثار نویسندگان این عصر می توان دید این گونه است: گرایش به اندوه و افسردگی، پیوند با مرگ و گورستان، فردیت گرایی، کودک و کودکی و گرایش هایی از این دست که بعدتر در دوره ی رمانتیسیم به گونه ای محکم جان می گیرد.

### رمانتیسیم

«آغاز قرن نوزدهم و با نمایش «ارنانی» اثر ماندگار ویکتور هوگو عصر تازه ای در ادبیات اروپا پدید آمد که در دوره کوتاهی در انگلستان و آلمان و سایر کشورهای اروپایی نفوذ چشمگیری یافت و شعرا و نویسندگان بزرگی چون «گوته» و «شیلر» در آلمان و «لامارتین»، «الکساندر دوما ی پدر»، «آلفرد دو موسه» و «سنت بوو» در فرانسه، «گری» و «ریچاردسن» در انگلستان ظهور کردند.»<sup>۲</sup>  
«صفت رمانتیک که از کلمه ی قرون وسطایی رومانیکوس Romanticus گرفته شده بود، به تدریج در قرن هفدهم رواج یافت. ریشه صفت همان کلمه ی «رمان» است که اصل آن «رمانو» Romano یا «رومی» است که در صورت ابتدائی اش به داستان هایی اطلاق می شد که نه به زبان لاتینی، بلکه به زبان های غامبانه ی کشورهای مختلف اروپا، یا زبان های رومیایی و به گونه ای جدید نوشته شده باشند و نیز از قوانین و مقررات کلاسیک تبعیت نکنند.»<sup>۳</sup>

«صفت رمانتیک [Romantic] در زبان انگلیسی برای نخستین بار در سال ۱۶۵۰ به کار رفته و شکل فرانسوی «Romansque»، در ۱۶۶۱ و شکل آلمانی «Romnaisch» در سال ۱۶۶۳ است.»<sup>۴</sup>  
«در آغاز این اصطلاح با رمانس های قدیمی و قصه های شوالیه گری و جوانمردی در پیوند بود که خصوصیت اصلی شان عبارت است از احساسات پر سوز و گداز، غیر واقع نمایی و عدم احتمال وقوع، اغراق و مبالغه، خیال پردازی ... و به بیان ساده تر، عناصری که در تضاد و تقابل با دیدگاه عقلانی و معتدل

۱- لیلیان فورست، رمانتیسیم، ص ۵۱

۲- وان تیگم فلیپ، رمانتیسیم در فرانسه، ج ۱، ص ۲۳

۳- رضا اشرف زاده، «رمانتیسیم و اصول و نفوذ آن در شعر معاصر ایران»، ص ۲۱۵

۴- رضاسیدحسینی، مکتب های ادبی، ج ۱، ص ۱۶۳

۵- مسعود جعفری، سیر رمانتیسیم در اروپا، ص ۱۰

قرار می گیرد. بدین ترتیب صفت «رمانتیک» در این دوره معنای منفی دارد و بر عبارت هایی همچون «دروغ بودن»، «غیر واقعی بودن» و «تخیلی بودن» دلالت می کند.<sup>۱</sup>

«در انگلیس، از دهه ۱۶۶۰ کلمه «رمانتیک» از دلالت بر داستان های رمانس وار فزاتر می رود و بر مناظر طبیعی نیز اطلاق می شود. از این دوره به بعد، این اصطلاح در وصف روستاها، کوهستان ها، چشمه ها و پدیده هایی از این دست نیز به کار می رود و عمدتاً معنای بکر و دست نخورده و خلوت و خیال انگیز و رؤیایی را می رساند.»<sup>۲</sup>

«این کلمه هنگامی شروع به بازیابی اعتبار و ارزش واقعی خود کرد و معانی تازه ای به خود گرفت که فضای عمومی در انگلستان قرن ۱۸ دچار تغییر و تحولی آرام و نیمه خودآگاه گردید. در حقیقت می توان آن را یکی از برجسته ترین هدیه های زبان انگلیسی به فکر اروپایی به شمار آورد. اکنون این کلمه از اصطلاحی که صرفاً برای تحقیر و خوارداشت به کار می رفت به اصطلاحی تبدیل شده بود که بیانگر تأیید و رضایت و مقبولیت بود.»<sup>۳</sup> «و بر هر چیز جالب و بدیع که گویای صفا و سادگی روستایی بود یا بر عکس به طبیعتی وحشی و بی نظم اشاره می کرد، اطلاق می شد.»<sup>۴</sup>

فردریش شلگل نخستین کسی بود که اصطلاح «رمانتیک» را وارد فضای ادبی کرد. از دیدگاه او: «آن چیزی رمانتیک است که موضوع و محتوایی عاطفی و احساساتی را در شکل و صورتی تخیلی و خلاقانه به تصویر می آورد.»<sup>۵</sup>

«به طور کلی رمانتیسم نوعی نوزایی و کشفی دوباره در عالم هنر و ادبیات است که زمینه آزادی خلاق ذهن روح بشر را فراهم آورده است و نه تنها حرکتی مفید برای قوانین دست و پاگیر ادبی، بلکه نشانه میل به رهایی از قید سیاست ها و حکومت های همزمان خود نیز بوده است.»<sup>۶</sup>

در پایان این مبحث جهت آگاهی از تعاریف گوناگون و نامنسجم رمانتیسم به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

«بازگشت به طبیعت. (روسو)

نگرشی خاص به تخیل، رویکردی خاص به طبیعت، کاربردی خاص از سمبل ها. (رنه ولک)

آزادی خواهی در ادبیات. درآمیختن گروتسک با تراژدی و هنر والا که در مکتب کلاسیسم منع شده بود- حقیقت کامل زندگی. (هوگو)

ذهن گرایی، عشق به پدیده های نامتعارف و شگفت و روحیه ی ارتجاعی. (فلیس)

۳- لیلیان فورست، رمانتیسم، ص ۲۵

۴- مسعود جعفری، سیر رمانتیسم در اروپا، ص ۱۱

۳- لیلیان فورست، رمانتیسم، صص ۲۶-۲۷

۴- مسعود جعفری جزی، سیر رمانتیسم در اروپا، ص ۱۱

۵- همان، ص ۱۴

۶- میمنت میرصادقی، واژه نامه هنر شاعری فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک ها و مکتب های آن، ص ۱۱۵-۱۱۶

احیا و برانگیختن دوباره زندگی و اندیشه قرون وسطی،» (هاینه)<sup>۱</sup>

### زمینه های پیدایش رمانتیسم

بدون شک یکی از مهمترین عواملی که سبب پیدایش مکتب رمانتیسم در اروپا شد انقلاب کبیر فرانسه است. «اضطراب ها و تکان های ناشی از انقلاب کبیر فرانسه به اغلب کشورهای اروپایی سرایت کرد و نیروهای پنهان طبقه ی متفکر و روشنفکر را بیدار ساخت. می توان گفت که انقلاب فرانسه و نیز حکومت ناپلئون این تغییرات عظیم فکری را باعث شد. کما این که در بجهوحه ی انقلاب، شخصیتی چون «روسو» ظهور می کند و حکومت طبیعت را بر حکومت عقل برتری می نهد و اثری چون «هلوئیز- جدید از او، سرچشمه ای برای آثار بعد می شود، و به دنبال او «برناردن دوسن پی-یر» با نوشتن «داهستان عشقی «پل و ویرژینی» عقاید روسو را گسترش می دهد.»<sup>۲</sup>

از دیگر عوامل پیدایش این مکتب تغییر در ساختار اجتماعی و نظام طبقاتی است. «در این عصر که عصر طبقه بورژوازی شمرده می شده، اشرافیت همه نفوذ خود را از دست داد. سالون های درخشان ادبی، فرهنگستان ها دیگر تأثیر زیادی در سرنوشت هنرمندان و آثار آنان نداشتند، بلکه روزنامه های ادبی اهمیت بیشتری پیدا کرد و مخصوصا در سی سال اول قرن در انگلستان و فرانسه ماهنامه های ادبی مهمی منتشر شد. اغلب آثار ادبی در روزنامه ها انتشار می یافت. نویسندگان و شاعران از طبقات مختلف مردم بودند و قلمرو آثار ادبی نیز وسعت یافت. مقام اجتماعی هنرمندان نیز بالا رفت و حتی اغلب آنان می خواستند کاری کنند که در سرنوشت طبقه خود موثر باشند.»<sup>۳</sup>

«در حوالی سال های ۱۷۶۰، فرانسه ضرورت نوعی تجدید ادبی احساس کرده بود. این تجدید می بایست پاسخگوی انقلابی باشد که در حساسیت ها روی داده بود. مردم از عقل که آن همه حکومت کرده بود و از روشنگری که اصرار داشت هر چیزی را قبل از آنکه احساس کنیم بفهمیم و از انواع ادبی که مشخصات هر کدام معین و شماره بندی شده بود، خسته شده بودند و در پی نوعی زیبایی شناسی بودند، که از شور و هیجان الهام گرفته باشد.»<sup>۴</sup>

بنابراین عامل دیگری که در پیدایش رمانتیسم دخیل بوده است، تغیر در موازین جمال شناسی و ایجاد نوعی زیبایی شناسی نوین بوده است. کلاسیک ها که همه چیز را بر اساس عقل می سنجیدند، زیبایی را نیز

۱ - مسعود جعفری، سیر رمانتیسم در اروپا، ص ۲۱-۲۲

۲ - رضا اشرف زاده، رمانتیسم، اصول و نفوذ آن در شعر معاصر، ص ۲۱۶

۳ - رضابید حسینی، مکتب های ادبی، ج ۱، ص ۱۷۶

۴ - همان، ص ۱۶۷

تابع آن می دانستند. اما زیبایی از دیدگاه رمانتیک ها امری ذوقی و حاصل تخیل است. «در این تلقی تازه از زیبایی، تخیل به عنوان نیرویی خلاق و دگرگون کننده در کانون اصلی فرآیند آفرینش هنری جای دارد»<sup>۱</sup>. «بدین ترتیب باید به انقلاب ذوقی، که حس زیبایی شناسی رمانتیک ها را نسبت به گذشتگان شان دگرگون ساخت توجه کنیم.» «در مکتب رمانتیک زشتی نیز دارای زیبایی خاصی است؛ مثلاً «گورپشت نتردام» با همه ی زشتی اش در آثار ویکتور هوگو همان مقام را دارد که «ماریوس» یکی از قهرمانان کتاب «بینوایان» گذشته از این ها باید به نقش و تاثیر نویسندگانی چون: هوگو و شکسپیر اشاره کرد که به نوعی الهام بخش این تحولات عظیم بودند و مکتب رمانتیسم خود را وامدار آنها می دانند.

### اصول مکتب رمانتیسم

۱- آزادی: «رمانتیسم مکتب آزادی هنر و شخصیت است. برنامه کلی رمانتیک ها آزادی است؛ آزادی از هرگونه قید و بند و هر چیز که جنبه قاعده و قانون و اصل داشته باشد. چنان که ویکتور هوگو گفته است: «رمانتیسم آزادی خواهی در هنر است»<sup>۲</sup>.

«هنرمند رمانتیک برای خواهش ها و احتیاجات روح خود اهمیت بسیار قائل است و می گوید آنچه به هنرمند الهام می بخشد و معنی و مفهوم زندگی شمرده می شود «عشق و علاقه» است. این علاقه باید آزاد باشد. ادبیات نباید قاعده هایی باشد که عشق و علاقه را محدود سازد. ادبیات می تواند هر گوشه ای از زندگی را، چه زیبا و چه زشت، چه عالی و چه دانی، موضوع بحث خود قرار دهد، و از هر گونه منظره ای در دنیا استفاده کند»<sup>۳</sup>.

۲- توجه به احساسات و هیجان های روحی و عاطفی: «با تغییر معیار جمال شناسی و پایه ریزی آن بر اساس کشف مرکزیت «خود» که به عنوان یکی از دستاوردهای مکتب رمانتیسم به شمار می رود، نگرش به جهان در عصر رمانتیک تغییر می کند.<sup>۴</sup> حقیقتی که کلاسیک ها آن را زیباترین چیز می دانستند جای خود را به عاطفه انسانی سپرد»<sup>۵</sup>.

در این عصر احساسات عمیق اساس شعر رمانتیک را تشکیل می دهد، به طوری که می توان شعر رمانتیک را شعر احساس و عشق نامید.

۱ - لیلیان فورست، رمانتیسم، ص ۸۰

۲ - رضا اشرف زاده، رمانتیسم، اصول و نفوذ آن در شعر معاصر، ص ۲۲۰-۲۲۱

۳ - همان، ص ۲۲۲

۴ - رضا سیدحسینی، مکتب های ادبی، ص ۱۸۰

۵ - مسعود جعفری، سیر رمانتیسم در اروپا ص ۱۹۰

۶ - محمد غنیمی هلال، ادبیات تطبیقی، ص ۶۹